

Subject: A Historic Opportunity to Shift the Battlefield to Iran's Constitution

April 4, 2026

Dear Mr. President,

The Iranian New Year of Nowruz—concluding on its thirteenth day with Sizdeh Bedar, when families leave their homes to embrace nature—belongs to a vast cultural sphere that stretches from Tajikistan to the Mediterranean. It is a celebration rooted in renewal, reconciliation, and the quiet promise of a new beginning. This season of renewal now coincides with two of the most meaningful observances in the Judeo-Christian tradition: Easter, symbolizing rebirth and hope, and Passover, commemorating liberation, and the enduring human quest for freedom.

When these traditions converge, they create more than a coincidence of calendars—they create a rare moral and cultural moment. A moment that invites reflection not on conflict, but on possibility; not on division, but on shared human aspirations. It is in this spirit that we are compelled to ask: how can the United States, under your leadership, help turn this moment into a pathway toward peace, stability, and lasting prosperity—for the Iranian people, for the American people, and for the people of Israel?

This war, despite its dangers, has created a rare and unexpected opportunity—an opportunity to shift the battlefield from the Persian Gulf to the Constitution of Iran.

For decades, every policy—pressure, negotiation, sanctions, or even military threat—has addressed the symptoms rather than the source. The true source lies in the structure of power embedded within Iran's Constitution. As long as that structure remains unchanged, behavior may fluctuate, but it will never fundamentally transform. Every agreement will remain temporary. Every de-escalation will be reversible.

You have already demonstrated a tool that no previous president has used with such precision and strategic clarity: smart, targeted sanctions—not broad punishment, but focused pressure aimed directly at decision-makers.

That tool can now be elevated to serve a clear and historic objective:

Not regime collapse.

Not endless war.

But constitutional evolution.

Smart sanctions can be calibrated to send a simple and unmistakable message to the ruling elite:

Relief will not come through temporary concessions.

Relief will come through structural change.

Specifically, through the formation of a Constitutional Assembly—one that allows the Iranian people to redefine the balance of power within their own system, peacefully and legitimately.

This is not interference; it is alignment with the long-term stability of the region and the natural aspirations of the Iranian people.

A rebalanced constitutional structure in Iran would, by its very nature, reduce ideological expansion, lower regional tensions, and open the door to economic normalization—not only with the United States, but also with neighboring countries. It would transform Iran from a source of instability into a pillar of regional equilibrium.

Without such structural evolution, every diplomatic or military effort risks becoming part of an endless cycle—managed, but never resolved.

With it, however, the region gains a chance to stabilize from within, through internal legitimacy rather than external pressure.

Mr. President, you have always valued strength, clarity, and results.

This is the moment to deliver all three.

Shift the battlefield. Change the structure. Secure the outcome.

History will remember the leader who chose a real solution over another temporary deal—and who turned a moment of crisis into a foundation for lasting peace.

Respectfully,

Sohrab ChamanAra www.CyrusForce.org

ترجمه فارسی

موضوع: یک فرصت تاریخی برای انتقال میدان نبرد به قانون اساسی ایران

چهارم آوریل 2026

آقای رئیس‌جمهور محترم،

نوروز، سال نو ایرانی — که در سیزدهمین روز خود با سیزده به در و خروج خانواده‌ها به دامان طبیعت به پایان می‌رسد — به یک حوزه فرهنگی گسترده تعلق دارد که از تاجیکستان تا سواحل مدیترانه امتداد دارد. این جشن، ریشه در نوسازی، آشتی و وعده آرام یک آغاز تازه دارد. این فصل نوزایی اکنون با دو مناسبت مهم در سنت یهودی - مسیحی همزمان شده است: عید پاک (ایستر) به عنوان نماد تولد دوباره و امید، و عید پسخ به عنوان نماد رهایی و جستجوی همیشگی انسان برای آزادی.

همزمانی این سنت‌ها صرفاً یک تقارن تقویمی نیست — بلکه یک لحظه نادر اخلاقی و فرهنگی است. لحظه‌ای که ما را نه به سمت تعارض، بلکه به سوی امکان‌ها؛ نه به سوی تفرقه، بلکه به سوی آرمان‌های مشترک انسانی سوق می‌دهد. در چنین فضایی است که این پرسش مطرح می‌شود: ایالات متحده، تحت رهبری شما، چگونه می‌تواند این لحظه را به مسیری برای صلح، ثبات و شکوفایی پایدار — برای مردم ایران، آمریکا و اسرائیل — تبدیل کند؟

این جنگ، با وجود همه خطراتش، یک فرصت نادر و غیرمنتظره ایجاد کرده است — فرصتی برای انتقال میدان نبرد از خلیج فارس به قانون اساسی ایران.

برای دهه‌ها، تمام سیاست‌ها — اعم از فشار، مذاکره، تحریم یا حتی تهدید نظامی — به جای علت، صرفاً به علائم پرداخته‌اند. علت اصلی در ساختار قدرت نهفته در قانون اساسی ایران قرار دارد. تا زمانی که این ساختار تغییر نکند، رفتارها ممکن است نوسان داشته باشند، اما هرگز دگرگونی بنیادین رخ نخواهد داد. هر توافقی موقتی خواهد بود و هر کاهش تنش‌ی قابل بازگشت.

شما پیش از این ابزاری را به کار گرفته‌اید که هیچ رئیس‌جمهور دیگری با چنین دقت و شفافیت راهبردی از آن استفاده نکرده است: تحریم‌های هوشمند و هدفمند — نه مجازات گسترده، بلکه فشار دقیق بر تصمیم‌گیرندگان.

اکنون می‌توان این ابزار را در خدمت یک هدف روشن و تاریخی قرار داد:

نه فروپاشی نظام.

نه جنگ بی‌پایان.

بلکه تحول قانون اساسی.

تحریم‌های هوشمند می‌توانند پیامی ساده و غیرقابل تفسیر به نخبگان حاکم منتقل کنند:

رفع فشار از مسیر امتیازات موقت حاصل نخواهد شد.

رفع فشار تنها از مسیر تغییرات ساختاری امکان‌پذیر است.

به طور مشخص، از طریق تشکیل مجلس مؤسسان — نهادی که به مردم ایران اجازه دهد توازن قدرت را در چارچوب نظام خود، به صورت مسالمت‌آمیز و مشروع، بازتعریف کنند.

این مداخله نیست؛ بلکه هم راستایی با ثبات بلند مدت منطقه و خواست طبیعی مردم ایران است.

یک ساختار متعادل شده در قانون اساسی ایران، به طور طبیعی موجب کاهش گسترش ایدئولوژیک، کاهش تنش‌های منطقه‌ای، و گشایش مسیر عادی‌سازی اقتصادی خواهد شد — نه تنها با ایالات متحده، بلکه با کشورهای همسایه. چنین تحولی ایران را از منبع بی‌ثباتی به ستون تعادل منطقه‌ای تبدیل خواهد کرد.

بدون این تحول ساختاری، هر تلاش دیپلماتیک یا نظامی در چرخه‌ای بی‌پایان گرفتار خواهد شد — مدیریت می‌شود، اما حل نمی‌شود.

اما با تحقق آن، منطقه می‌تواند از درون به ثبات برسد — از مسیر مشروعیت داخلی، نه فشار خارجی.

آقای رئیس‌جمهور،

شما همواره به دنبال قدرت، شفافیت و نتیجه بوده‌اید.

اکنون زمان ارائه هر سه است.

میدان نبرد را تغییر دهید. ساختار را دگرگون کنید. نتیجه را تثبیت نمایید.

تاریخ رهبری را به خاطر خواهد سپرد که به جای یک توافق موقت، یک راه حل واقعی را انتخاب کرد — و یک لحظه بحران را به بنیانی برای صلح پایدار تبدیل نمود.

با احترام،

سهراب چمن آرا